

در جریان هشتمین جشنواره «اجيال» در کشور قطر اعلام شد

«خورشید» بهترین فیلم دوحه

فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی که به تازگی حق توزیع آن توسط یک کمپانی آمریکایی خریداری شده موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جشنواره «اجيال» دوحه شد.

به گزارش ایسنا، کمپانی Strand Releasing حق پخش فیلم خورشید ساخته مجید مجیدی را به دست آورده است و این فیلم که امسال نماینده سینمای ایران در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی جوایز سینمایی اسکار است از طریق این کمپانی در آمریکا اکران خواهد شد.

فیلم خورشید، ساخته مجید مجیدی اولین نمایش بین‌المللی خود را در بخش رقابتی هفتادوهفتمین جشنواره فیلم ونیز تجربه کرد و در نهایت روح... زمانی توانست جایزه مارچلو ماسترویانی، ویژه بهترین بازیگران نوظهور جشنواره را از آن خود کند و اخیرا نیز جایزه بهترین فیلم هشتمین جشنواره «اجيال» دوحه در کشور قطر را نیز به خود اختصاص داده است.

کمپانی Celluloid Dreams به مدیریت هنگامه پناهی توزیع بین‌المللی فیلم خورشید به تهیه‌کنندگی امیر بنان و مجید مجیدی را بر عهده دارد.

این فیلم روایتگر داستان پسر بچه‌ای ۱۲ساله به نام علی و دوستانش است که برای کمک به خانواده‌هایشان به سختی کار می‌کنند و برای گذران زندگی برخی مواقع جرائم کوچکی نیز انجام می‌دهند. علی توسط فردی برای پیدا کردن یک گنج که زیر مدرسه‌ای پنهان شده مامور می‌شود و ...

مارکوس هو، مدیر کمپانی Strand Releasing در اختیار گرفتن حق توزیع فیلم خورشید را یک موفقیت بزرگ برای این کمپانی توصیف و اعلام کرد از این‌که این فیلم مهیج را به مخاطبان آمریکایی عرضه خواهد کرد، هیجان‌زده است.

مجید مجیدی نیز با تشکر و قدردانی از مخاطبان و منتقدان آمریکایی برای واکنش به فیلم جدیدش به ورایتی‌گفت؛ «از این‌که فیلم جدید من فرصت نمایش برای نسل جدیدی از مخاطبان آمریکایی و به‌ویژه مخاطبانی را خواهد یافت که نسبت به کودکان احساس همدردی دارند، بسیار هیجان‌زده‌ام.»

چندی پیش هیات معرفی نماینده سینمای ایران به مراسم اسکار، فیلم سینمایی خورشید را به‌عنوان نماینده سینمای ایران برای معرفی به آکادمی اسکار ۲۰۲۱ انتخاب کرده بود. هیات معرفی فیلم ایرانی به فرهنگستان علوم و هنرهای سینمایی اسکار ۲۰۲۱ از هنرمندان پیشنهادی خانه سینما، محمدعلی نجفی (کارگردان)، سید جمال ساداتیان (تهیه‌کننده)، آتیلا پسیانی (بازیگر)، کمال تبریزی (کارگردان)، سیدمحمد داوودی (فیلمبردار)، نرگس آبیار (کارگردان)، فرهاد توحیدی (فیلمنامه‌نویس) و آنتونیا شرکاء (منتقد) تشکیل شد و راند فریزداده (دبیر شورای بین‌الملل و معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی)

به‌عنوان عضو حقوقی این جمع را همراهی می‌کرد.



فراخوان مسابقه «برگ‌ریزان تهران»

انجمن عکاسان ایران با همکاری سازمان زیباسازی شهرداری تهران، مسابقه عکس «برگ‌ریزان تهران» را در دی‌ماه ۱۳۹۹ برگزار می‌کند. این مسابقه دربرگیرنده عکس‌هایی در محدوده شهر تهران و مکان‌های عمومی در پاییز شهر تهران است. با مراجعه به سایت جشنواره به نشانی https://nips.org.ir پس از ثبت‌نام، آثار خود را برای حضور و شرکت در مسابقه بارگذاری کنند.
اتسним



از دست‌دادن و به دست‌آوردن



کتاب: پرندگان در پاییز / **نوشته:** براد کسلر / **ترجمه:** شمیم هدایتی، با همکاری سینا مدبرنیا / **نشر:** نیلا

براد کسلر، رمان‌نویس آمریکایی و معروف‌ترین اثر او، کتاب «پرندگان در پاییز» برنده جایزه صلح دبیتون لیترری (۲۰۰۷) است که در فهرست ۱۰ کتاب برتر لس‌آنجلس تایمز (۲۰۰۶) قرار گرفت. «پرندگان...» اثری است که تا ابد تأثیرش بر شما می‌ماند، گرچه کتاب با ماجرای غم‌انگیز سقوط هواپیما در یکی از جزایر اقیانوس اطلس شروع می‌شود، اما در ادامه و پس از ورود خانواده‌های سرنشینان هواپیما به محل حادثه، داستان به تدریج رنگ و بویی از عشق، امید و زندگی به خود می‌گیرد. سه نکته جالب درباره این کتاب می‌خوانید، ۱. شخصیت اصلی کتاب، مردی ایرانی به نام «نادر پارس» است که با زنی آمریکایی به نام آنا گترو - که شوهر مرحومش پرنده‌شناس و یکی از مسافران هواپیما بوده - آشنا می‌شود. ۲. مترجم کتاب درست در آستانه انتشار این کتاب در ۲۸ سالگی و هنگام بازگشت به زادگاهش رشت (یکشنبه ۹ آبان) همراه همسرش سینا مدبرنیا، تصادف شدیدی می‌کند و از دنیا می‌روند. ۳. اگر سریال موفقی و مشهور LOST «گمشده» را دیده باشید، این کتاب برای شما جذاب‌تر خواهد بود.

برای مردن وقت ندارم

کتاب: مردی به نام آوه / **نوشته:** فردریک بکمن / **ترجمه:** حسین تهرانی / **نشر:** چشمه

فردریک بکمن، نویسنده جوان سوئد با نخستین کتابش، «مردی به نام آوه» به شهرت و موفقیتی جهانی دست‌یافت. این اثر که به ۲۵ زبان زنده دنیا ترجمه‌شده، سال ۲۰۱۶ به سینما راه پیدا کرد و فیلمی به نویسندگی و کارگردانی «هانس هولم» بر اساس آن ساخته شد که به نامزدی جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان در هشتادوهفتمین دوره مراسم اسکار رسید. داستان «مردی...» شاید به‌طور مستقیم به مساله پذیرش مرگ نپردازد، اما رنگ و بوی عزّا و از دست‌دادن همسر نقش پررنگی در طول داستان دارد. یک مرد میانسال با افکاری قدیمی و سنتی و عبوس که شش‌ماه پیش همسرش سونیا را بر اثر سرطان از دست‌داده و همچنان داغدار اوست، کمترین بی‌نظمی و بی‌عالتی را در زندگی خود و محیط جامعه برنمی‌تابد تا این‌که پروانه، زن ایرانی جوان و مهاجری که در کنار خانواده‌اش از هر لحظه زندگی لذت می‌برد به همسایگی او می‌آید. پروانه با پلوی زعفرانی و مرغ سرخ‌کرده و شیرینی‌های ایرانی از پیرمرد عبوس پذیرایی می‌کند، محرم اسرار و درد دل‌های او می‌شود و به ادامه زندگی‌اش معنا و انگیزه می‌بخشد. آوه که به‌سختی با کسی هم‌کلام می‌شود، نخستین‌بار برای پروانه درد دل می‌کند و همین ارتباط نجاتش می‌دهد. پیشنهاد ما را برای خواندن این کتاب جدی بگیرید، اما حتما اول کتاب را بخوانید، بعد فیلمش را تماشا کنید.



سومین حضور بین‌المللی «یک آرایش ساده»

فیلم کوتاه «یک آرایش ساده» به کارگردانی پریسا آزمایش در سومین حضور بین‌المللی خود به بخش رقابتی جشنواره مینوت Minute shorts film competition لندن راه پیدا کرد. این فیلم به جشنواره‌هایی در سوئیس، نیجریه و انگلستان راه یافته و در جشنواره فیلم نیجریه کاندیدای بهترین فیلم شده است. فیلم درباره زنی است که پیش از رفتن به یک مهمانی، در زمانی که معادل زمان فیلم است یک سفر درونی را تجربه می‌کند. / جام‌جم‌دیلی



کرونا هر روز حداقل ۴۰۰ خانواده را عزادار می‌کند چند فیلم و کتاب

تاشقایو

چشم در چشم مرگ زندگی می‌کنیم؛ بیشتر از همیشه. ماه‌هاست که ویروس کرونا موجب مرگ بسیاری از مردم جهان شده، اما آنچه در این دوران بیش از هر چیز مهم به نظر می‌رسد، آموزش و توانمندی مقابله با پدیده غمبار و دردناک مرگ است. ساده نیست کنار آمدن با مرگ عزیزانی که تا همین دیروز سالم و سرحال‌کنار ما زندگی

احمد رضا حجاززاده

جام جم

تابهشت رکاب بزن

کتاب / **نشر:** م هارته اینجا بود / **نوشته:** باربارا پارک / **ترجمه:** نازنین دیپهیمی / **نشر:** ماهی

این کتاب درواقع برای نوجوانان نوشته‌شده، اما فرقی ندارد در چه سن‌وسالی هستید یا عزیزی را از دست‌داده‌اید یا نه. شک نکنید با داستان «میک هارته اینجا بود» ارتباط خوبی می‌گیرید و از خواندن‌شان لذت می‌برید. باربارا پارک، بهترین نویسنده داستان‌های کودک و نوجوان است و تاکنون جوایز زیادی برده. او که در زمینه علوم تربیتی تحصیل‌کرده در کتاب «میک...» از زبان فیبی، دختر ۱۳ساله‌ای ماجرای مرگ برادرش را روایت می‌کند و می‌کوشد با مرگ او کنار بیاید. در توصیف‌های بی‌تغییر نویسنده، عمق درد و رنج خانواده‌ای که با مرگ یکی از عزیزانش روبه‌رو شده، نشان داده می‌شود.



برای نمونه، وقتی پدر پس از مرگ میک از بیمارستان به خانه برمی‌گردد و در اتاق پسرش را می‌بیند، یکی از زیباترین لحظه‌های داستان است.

داستان میک... بی‌شباهت به فیلم «استخوان‌های دوست‌داشتنی» ساخته پیتر جکسون با همین موضوع نیست. آنجا هم مادر بزرگ در نبود سوزی سالمون به کمک خانواده می‌آید و زندگی غمگین آنها را دوباره شاد و احیا می‌کند. خواندن این رمان کم‌حجم، می‌تواند دل و ذهن اعضای خانواده را برای مقابله با رویدادهای تلخ و ناگهانی، مثل مرگ برادر کرونا آماده‌کند.

اینستاگرام، سانسور و چالش هویت

مناسبات اجتماعی چنین اقتضایی دارد، چون خودمان با سیاست‌هایمان چنین چیزی را خواسته‌ایم.

ما همه مردم را به خانه‌نشینی تشویق می‌کنیم. حتی به مردم توصیه نمی‌کنیم ورزش کنند یا در هوای آزاد با رعایت موازین به پیاده‌روی بروند. تمام امکانات اجتماعی و واقعی را از مردم گرفته‌ایم. همه‌جا را به دلیل شیوع کرونا بسته‌ایم. هیچ پیشنهاد جایگزینی هم در فضای مجازی نداریم. ما به مردم گفتیم با هم معاشرت نکنند. به دیدن یکدیگر نروند. به نظرتان مردم باید چه کنند؟ آیا حتی یک پیشنهاد برای سرگرم شدن مردم به‌ویژه بچه‌ها ارائه کرده‌ایم؟ این روزها حتی خانه‌های بازی برای بچه‌ها خردسال تعطیل است. به نظر می‌رسد

حضور مردم در فضای مجازی از اساس دلیل اجتماعی دارد، نه فکری با اعتقادی.

مشکل کجاست؟

به رفتارهای حاکمیتی نقد وارد است. سیاست‌های حاکمیت چنین بازار گسترده و پررونقی برای اینستاگرام درست کرده است. مثال می‌زنم. ما این روزها به‌راحتی می‌توانیم از تاکسی اینترنتی استفاده کنیم یا بی‌آن‌که از خانه‌مان بیرون برویم، از رستوران مورد علاقه‌مان غذا تهیه کنیم و از نانوائی نان بخیریم. آيا کسی می‌تواند بگوید ما با این کار داریم آزادی‌های اجتماعی مردم را سلب می‌کنیم؟ خیر! ما در بستر اینترنت ملی فضای امنی درست کرده‌ایم تا مردم به‌راحتی بتوانند خرید یا در شهر تردد کنند؛ در یک میدان رقابت واقعی و در یک بازار سالم حاضر باشند. خدمات را مطمئن دریافت کنند. این تجربه نشان می‌دهد دولت ایران می‌تواند شرایطی فراهم کند تا در یک محیطی ایمن‌تر که با فضای هویتی ما سازگاری بیشتری دارد، ایرانیان خدمات اجتماعی دریافت کنند. چرا حاکمیت حمایت نمی‌کند تا همین اتفاق برای شبکه‌های اجتماعی روی دهد؟ مردم نیاز به معاشرت دارند. مردم حتی به توصیه دین اسلام باید در ارتباط باشند و صله رحم حفظ شود. ولی جایگزین مناسب و کارایی برای ارتباطات ویدئویی و مجازی وجود ندارد. لازم نیست اینستاگرام را فیلتر کنیم. به نظر می‌رسد باید پیشنهادهای جایگزین را جدی بگیریم. مثلا چینی‌ها نرم‌افزاری ارائه کرده‌اند که جامعه آمریکا را در فضای مجازی دگرگون کرده است. ولی ما هنوز یک ارتباط مؤثر و آسان برای ارتباطات ویدئویی نداریم.

توصیه‌ها به مردم

آسیب‌های فضای مجازی و به‌ویژه اینستاگرام کتمان‌ناپذیر است. در فضای سیاست‌زده کشور ما اشاره به این آسیب‌ها کار آسانی نیست. ممکن است گروهی از مردم بگویند نویسنده با اینستاگرام و توئیتر برخورد ایدئولوژیک دارد. باکی نیست؛ به چند نکته اشاره می‌کنیم. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی به توصیه کارشناسان نامسلman و سکولار، مخاطبان باید:

- یک ساعت قبل از خواب، استفاده از شبکه‌های اجتماعی را کنار بگذارند.
- حتماد در شب هنگام، نور موبایل خود را کم کنند.
- استفاده از شبکه‌های اجتماعی را به زمان مشخصی محدود کنند؛ مثلا روزی چهار بار و هر بار فقط یک ربع به فیسبوک سرزنزند و سعی کنند این میزان را به مرور کاهش دهند.
- مکان استفاده از شبکه‌های اجتماعی را محدود کنند؛ مثلا هیچ‌وقت در اتاق خواب سراغ اینستاگرام نروند.
- ابزارهای دیجیتال مانند تلفن همراه و تبلت را در ساعات مشخصی از روز از خود دور نگه دارند تا سراغ شبکه‌های اجتماعی نروند.
- چالش کنترل استفاده از شبکه‌های اجتماعی را به عنوان یک فعالیت مثبت برای خود و اطرافیان جا بیندازند تا انگیزه کافی برای پایبند ماندن به آن داشته باشند، مثلا بگویند می‌خواهند تمرکز را بالا ببرند.

اما روایت دیگر از آن اصحاب فکر و سیاستی است که ظاهرا هویت‌گرا هستند. آنها بر این باورند که باید جلوی ترویج اینستاگرام را گرفت. آنها می‌گویند اینستاگرام ریشه‌های هویتی ما را هدف قرار می‌دهد. با آموزه‌های دینی و اخلاقی ما مخالف است و مقدسات ما را مصداق ترویج خشونت و تروریسم می‌داند، ولی خودش خشونت را تبلیغ می‌کند. این حرف‌ها بیراه نیست. گزارش گاردین نشان می‌دهد اینستاگرام حتی به فروش سلاح و مواد مخدر کمک می‌کند. کافی است به صفحه‌های پربازدید اینستاگرام بروید و میلیون‌های علاقه‌مند قاچاقچیان سلاح و انسان و مواد مخدر را ببینید. هویت‌گرایان می‌گویند علت اصلی حضور مردم در این صفحه‌ها با سست‌شدن اعتقادات هویتی و دینی مردم نسبت دارد.

اما روایت هویت‌گرایان هم خلل دارد. اول این که آنها خودشان هیچ پیشنهاد جایگزینی ندارند. خود این افراد نیز از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند. دوم این که به نظر نویسنده، حضور مردم در اینستاگرام کمتر به دلایل اعتقادی یا فکری است. یعنی اگر اقبال مردم به اینستاگرام رشد چشمگیری داشته است به این دلیل نیست که مردم آزاداندیش‌تر یا روشنفکترتر شده‌اند یا اعتقادات‌شان سست‌تر و ضعیف‌تر شده است. مردم به اینستاگرام می‌روند چون الگوریتم

حذف کرد. به نظر اینستاگرام نمی‌شود تصویر شهید هسته‌ای را ترویج کرد، ولی می‌توان تصویر سازمان منافقین و قاتلان همان شهید هسته‌ای را تبلیغ کرد. اگر ادعای جریان آزاد اطلاعات صحت داشته باشد، حذف و سانسور از کجا می‌آید؟ به نظر می‌رسد بر خلاف مسؤولان جمهوری اسلامی! اساسا اینستاگرام خودش را توده بی‌شکل یا آزادراه آزادی از داده و اطلاعات نمی‌داند. او هدفی را دنبال و برای آن هدف بسترسازی می‌کند.

آسیب‌های اینستاگرام تنها معطوف به دنیای سیاست یا فرهنگ نیست. نظرسنجی انجمن سلطنتی بهداشت عمومی بریتانیا می‌گوید: «اینستاگرام بدترین تأثیر را بر سلامت روانی جوانان دارد.» کافی است غرب‌گرایان به این جمله انگلیسی‌ها دقت کنند: «۹۰ درصد از شرکت‌کنندگان زن در این نظرسنجی گفته‌اند از بدن خود راضی نیستند.» بی‌بی‌سی فارسی می‌گوید: «دکتر ریچارد گراهام، یکی از مشاوران مرکز ترک اعتیاد اینترنت در لندن، درباره تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مغز و حالت‌های روانی کاربران به این نکات اشاره می‌کند: با این‌که مطالعات نشان داده است شبکه‌های اجتماعی می‌تواند حافظه کاربران را تقویت کند، اما استفاده بیش از اندازه ممکن است باعث ضعیف شدن حافظه و کاهش تمرکز شود. تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر اعتماد به نفس جوانان می‌تواند مخرب باشد. اگر مدام به دنبال مقایسه خود با دیگر کاربران باشند.»

پس دلیلی برای ساده‌لوحی نیست. ساده‌لوحی مسأله آسیب‌ها را حل نمی‌کند. آسیب‌هایی که حتی خانواده مسؤولان غرب‌گرا را هم تهدید می‌کند.

۵۰ دهه میلیون ایرانی در اینستاگرام فعال هستند؛ از جمله من و لاید شمای خواننده. تقریبا همه مقامات مسؤول در این اینستاگرام و

توئیتر صفحه دارند که از قضا دومی برای مردم فیلتر! است. وقت و بی‌وقت گوشی‌مان را باز می‌کنیم و روی مربعی آتشین کلیک می‌کنیم و وصل می‌شویم به دنیایی از داده و رنگ و تصویر که ورودی‌اش دست ما نیست و مثل کتاب و سینما حق انتخاب ما در آن به رسمیت شناخته نمی‌شود و همه هم می‌دانیم اینستاگرام آن‌قدر که به شهید ما حساس است، به تروریست‌های داعش و القاعده حساس نیست و حتی به شکل غیرمستقیم صفحه‌هایی را ترویج می‌کند که به خشونت‌های گسترده و شیوه‌های تروریستی دامن می‌زنند. اینها را می‌دانیم و با این حال در این فضا حضور داریم. می‌دانیم که حتی یک پدر و مادر آمریکایی هم آداب پدر و مادری را می‌دانند و راضی نیستند فرزندان‌شان شبانه‌روز در صفحه‌های مجازی ول بچرخند. می‌دانیم در آن طرف دنیا، مادری با پدری یک کار یا یک وظیفه شناخته‌شده در حکومت است و در اینجا پدری و مادری تنها یک رخداد بیولوژیک است، نه یک مهارت پیچیده و ظریف که باید قواعدش را دانست. روضه نخوانم. ما بیش و کم با خطرها و فرصت‌های اینستاگرام و توئیتر آشنا هستیم. ولی در برابر آن مغفعلیم. انفعال متناسب با کارکرد و مختصات این رسانه است.

حال باید چگونه دید و تحلیل کرد؟

اصحاب فکر و سیاست دو گونه‌اند. یک گروه که غرب‌گراتر هستند بر این باورند این تکثر فرهنگی اشکالی ندارد. آنها می‌گویند این فضا پویاست و تضاد نگاه‌ها و اندیشه‌ها در آن نشان‌دهنده یک جریان آزاد اطلاعات است که به مردم کمک می‌کند تا به تصمیم برسند و درست‌تر فکر کنند. آنها بر این باورند که باید این فضا آزاد و رها باقی بماند تا هر کسی راه خودش را برود و حکومت اساسا کاری به این فضاها و مدیریت این فضاها نداشته باشد. بخشی از این اصحاب فکر و سیاست همین الان مسؤولان دولتی و حاکمیتی جمهوری اسلامی هستند.

آیا این روایت صحیح است؟ آیا ما با یک جریان آزاد اطلاعات طرفیم؟ این نهایت ساده‌لوحی است. در ماجرای شهادت حاج قاسم دیدیم اینستاگرام راسا ده‌ها میلیون اظهار ارادت و تصویر و فیلم را از صفحه خود



اینستاگرام بدترین تأثیر را بر سلامت روانی جوانان دارد ۹۰ درصد از شرکت‌کنندگان زن در نظرسنجی انجمن سلطنتی بهداشت عمومی بریتانیا گفته‌اند از بدن خود راضی نیستند